

از میدان نبرد تا میز دولت حمایت تمام قد دولت پزشکيان از نیروهای مسلح

جنگ برای نیروهای مسلح در خط مقدم تعریف می شود، اما دفاع از یک کشور تنها در میدان نبرد اتفاق نمی افتد. پشت هر عملیات نظامی، مجموعه‌ای از تصمیم‌های سیاسی، اقتصادی، پشتیبانی و اجرایی قرار دارد که اگر هماهنگ نباشند، حتی قدرتمندترین ساختار دفاعی نیز با مشکل مواجه خواهد شد. ایرنا نوشت: دولت چهاردهم در شرایطی واردیکی از سخت‌ترین مقاطع امنیتی و نظامی تاریخ کشور شد که تنها یک جنگ را تجربه نکرد؛ جنگ ۱۲ روزه و سپس جنگ ۴۰ روزه، کشور را در معرض فشارهای همزمان نظامی، اقتصادی و سیاسی قرار داد. در این میان، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عملکرد دولت، قرار گرفتن ظرفیت‌های اجرایی کشور در کنار نیروهای مسلح و تلاش برای حفظ انسجام حاکمیت در شرایط جنگی بود. این هماهنگی به‌گونه‌ای بود که حتی در ارزیابی‌های بعدی نیز از آن به عنوان یکی از عوامل عبور کشور از بحران یاد شد.

دفاع از نیروهای مسلح

مسعود پزشکیان از همان روزهای نخست جنگ ۱۲ روزه، تلاش کرد مرز میان دولت و نیروهای مسلح را در شرایط دفاعی کشور کمرنگ کند. نگاه رئیس جمهور این بود که دفاع از کشور یک مسئولیت جمعی است و دولت نمی‌تواند خود را از میدان دفاع ملی جدا بدارند. پزشکيان در یکی از صریح‌ترین اظهارات خود پس از جنگ ۱۲ روزه گفت: دفاع از نیروهای مسلح کشور وظیفه من است. این موضع، تصویری روشن از جایگاه نیروهای مسلح در نگاه دولت چهاردهم ارائه کرد. نیروهایی که در خط مقدم دفاع قرار داشتند و دولت نیز وظیفه خود را حمایت از آنان می‌دانست. رئیس جمهور در ادامه نیز بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام تأکید کرد؛ همان مولفه‌ای که در جریان جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه به یکی از نقاط قوت کشور تبدیل شد. در روایت رئیس جمهور، این مقاومت تنها محصول عملکرد یک دستگاه نبود. مردم، نیروهای مسلح و دولت در کنار یکدیگر قرار گرفتند و مجموعه حاکمیت تلاش کرد کشور را از یک بحران چندلایه عبور دهد.

تشکر رهبر شهید از دولت

شاید مهم‌ترین شاهد برای سنجش عملکرد دولت در جنگ ۱۲ روزه، سخنان رهبر شهید در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیات دولت باشد. حضرت آیت... سید علی خامنه‌ای در دیدار شهریور ۱۴۴۴ با رئیس جمهور و اعضای دولت، از رئیس جمهور، مسئولان، مدیران و کارکنان فعال مجموعه دولت تشکر کردند و به‌طور ویژه از دستگاه‌هایی یاد کردند که در آزمون ۱۲ روزه جنگ، به معنای حقیقی کلمه فداکاری کردند. همچنین انگیزه، روحیه و یکراری رئیس جمهور را مورد تقدیر قرار دادند. این تشکر را نمی‌توان یک تقدیر معمول اداری دانست. در شرایط جنگی، دستگاه اجرایی کشور بخشی از تجربه دفاع ملی است چراکه حفظ خدمات عمومی، تامین نیازهای مردم، اداره اقتصاد، پشتیبانی لجستیکی و جلوگیری از ایجاد خلأ مدیریتی، مستقیماً بر توان کشور برای ادامه مقاومت اثر می‌گذارد.

«آرمان ملی» سناریوهای محتمل درباره قیمت سوخت را بررسی می‌کند

جامعه؛ قاچاق سوخت و ناترازی



دیگر؟ آنچه مسلم است باید تصمیمات درستی اتخاذ شود تا

همزمان هم ناترازی دولت حل شود، هم از قاچاق سوخت جلوگیری گردد و هم بابت این مساله به جامعه فشار نیاید. هر چند که مردم در شرایط باید در مصرف صرفه جویی کنند. اگر اینگونه نباشد اتفاقات و التهابات اجتناب ناپذیر خواهد بود.

از غافلگیری تا توجه مردم

همگان مجاری آبان ۹۸ و افزایش قیمت بنزین و تحولات پس از آن را به خاطر دارند. آن زمان دولت وقت تصور نمی‌کرد که با افزایش قیمت بنزین جامعه تا چندماه متلاطم شود. در واقع تبعات این قضیه در نظر گرفته نشد و شد آنچه که نباید می‌شد. اسحاق جهانگیری در کتاب خاطرات خود به این موضوع اشاره کرده و نوشته است: «از ابتدای سال ۹۸ مجدداً موضوع بنزین در دستور کار قرار گرفت. در مورد قیمت بنزین و با فرض تسلط اعلامی سهمیه به هر خودرو، آقای روحانی دو قیمت ۱۵۰۰ و ۲۵۰۰ را در نظر داشت. قرار شد در دولت گروه‌های مختلفی ملاحظات اجرایی، رسانه‌ای و امنیتی را بررسی کنند تا راه حل مناسب پیدا شود. به نظر مردم آمادگی اجرایی مناسب طرح را به‌طور کلی نداشتند و رسیدن به زمینه‌ای مناسب برای اجرای این طرح واقعاً دشوار بود. به هر حال تدارک اولیه برای اعمال طرح سهمیه‌بندی در اردیبهشت‌ماه انجام شد، اما دولت غافلگیر شد و رسانه‌های منتقد دولت (فارس و تسنیم) چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت خبری منتشر کردند که سه روز بعد (شنبه) قیمت بنزین تغییر می‌کند. همان‌طور که انتظار می‌رفت و ریسک اصلی این اقدام هم همین بود

«آرمان ملی» از وضعیت خ‌طیر تنگه گزارش می‌دهد

حفظ کارکرد تنگه هرمز

آرمان ملی- مرئضی خیابان: از زمانی که در خیرها

آمد که برخی کشورهای منطقه برای دورزدن تنگه هرمز برنامه‌ریزی می‌کنند و در این ارتباط حتی برخی خطوط قدیمی دوباره مطرح شد. ایران واکنش خاصی نشان نداد. در واقع ایران اطمینان داشت که تنگه هرمز به سادگی قابل حذف یا دور زدن نیست. دلیل اهمیت تنگه هرمز فقط در نفت نهفته نیست. بخش مهمی از این اهمیت به انتقال دیگر فرآورده‌ها و محصولات است که بالوله امکان جابجایی آنها وجود ندارد. ضمن اینکه جابجایی و انتقال از راه‌های زمینی و هوایی هم مقرون به صرفه نیست. ساده‌تر آنکه عبور محصولات پتروشیمی، انواع کالاهای محصولات صنعتی حجیم از راه دریا و از این تنگه به کشورهای منطقه می‌رسد یا از کشورهای منطقه به دیگر نقاط جهان ارسال می‌شود. با همه اینها اخیراً نایب رئیس دوم مجلس سخنانی مطرح کرده که می‌تواند تداش نشان دهنده برخی نگرانی‌ها باشد. حمیدرضا حاجی بابایی گفت: نباید اجازه دهیم خطوط لوله جدید ایجاد شود یا نفت از مسیرهای ضعیف کننده تنگه هرمز صادر شود.

پرسش مهم

تنگه هرمز برای ایران یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ژئوپلیتیکی است؛ اهرمی که به دلیل موقعیت جغرافیایی این آبراه و وابستگی بخش بزرگی از تجارت انرژی جهان به آن، می‌تواند هزینه‌های سنگینی به آمریکا، کشورهای عربی و اقتصاد جهانی تحمیل کند. اما پرسش مهم این است که آیا می‌توان برای امتد طولانی و با شدت بالا از این اهرم استفاده کرد، بی‌آنکه در نهایت بخشی از قدرت آن از بین برود؟ پاسخ چندان ساده نیست. همانطور که گفته شد مساله فقط نفت نیست. ترافیک نفت و فرآورده‌های نفتی از تنگه هرمز که بیش از جنگ حدود ۱۸ میلیون بشکه در روز بود، در تیرماه به حدود ۵۰ میلیون بشکه و در مرداد به حدود ۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. بنابراین روشن است که اختلالی جدی در این آبراه ایجاد شده و ایران یکی از مهم‌ترین مسیرهای انرژی جهان را در دست گرفته است. نکته مهم این است که شدت اختلال لزوماً به معنای رسیدن به موفقیت مورد انتظار در بعد سیاسی نیست. اگر هدف این بوده باشد که قیمت نفت به شدت بالا برود و از این طریق آمریکا و متحدانش تحت فشار قرار گیرند، عملکرد بازار نفت چندان مطابق این انتظار نبوده است. البته نمی‌توان گفت بازار هیچ واکنشی نشان نداده است. نفت برنت به حدود ۹۴ دلار رسید، اما بازار دچار جهش شدید نشد که بتواند محاسبات آمریکا و دیگر کشورهای مصرف‌کننده را تغییر

دهد. این مسئله از نظر راهبردی بسیار مهم است. اختلال در عرضه نفت با افزایش نامتناسب قیمت نفت یکی نیست. بازار جهانی انرژی در برابر شوک‌ها سازگارهای دفاعی متعددی دارد؛ از ذخایر موجود و تغییر مسیر محموله‌ها گرفته تا کاهش مصرف، استفاده از عرضه‌کنندگان دیگر و تلاش برای ایجاد مسیرهای جایگزین. در نتیجه، هرچه بحران طولانی‌تر شود، طرف مقابل انگیزه بیشتری پیدا می‌کند تا راه‌هایی برای کاهش وابستگی خود به هرمز پیدا کند.

کشورهای منطقه

آنچه که ایران باید مورد توجه قرار دهد این است که این اتفاق در حال رخ دادن است و مسیرهای جایگزین دریایی در سمت عمان مورد استفاده قرار گرفته‌اند و برخی کشورهای نیز تلاش کرده‌اند صادرات نفت خود را از مسیرهایی غیر از هرمز ادامه دهند. برای مثال عراق در حال پیگیری مسیرهای صادراتی از طریق ترکیه، سوریه و اردن است. این درحالی است که عراق یکی از نزدیک‌ترین کشورها به ایران محسوب می‌شود و پیوندهای عمیقی بین دو کشور برقرار است. انسداد تنگه هرمز موجب شده که رئیس جمهور عراق تأکید کند که این کشور از جمله کشورهایی بوده که بیشترین آسیب را از درگیری‌ها دیده و این بحران خسارت‌های اقتصادی سنگینی به بغداد وارد کرده است. در عین حال تأکید کرد که برای عبور برخی کشتی‌های حامل نفت عراق تسهیلاتی فراهم شده است. در کنار تلاش کشورهای منطقه برای یافتن راه‌های امن برای انتقال نفت خود، آمریکا هم با تصور اینکه می‌تواند در این وضعیت تغییری ایجاد کند تلاش می‌کد یک کریدور ویژه باز کند که با واکنش شدید ایران مواجه شد.

نشانه تغییر

صحت از جایگزین‌ها به معنی بی‌اثر شدن تنگه هرمز نیست اما مسئله دقیقاً همین جاست. هرچه استفاده از هرمز طولانی‌تر و تکرارشونده‌تر شود، انگیزه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در جایگزین‌ها نیز بیشتر می‌شود. به همین دلیل، سخنان حاجی بابایی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. او گفته است ایران نباید اجازه دهد کشورها برای انتقال نفت خود خط لوله ایجاد کنند و از این طریق هرمز را دور بزنند. فارغ از اینکه این پیشنهاد تا چه اندازه عملی است، نفس مطرح ش‌دن آن نشانه مهمی از تغییر مسئله است. تا زمانی که هرمز اهرمی مطمئن و دست‌نخورده بود، نگرانی اصلی ایران این بود که چگونه از آن استفاده کند، اما اکنون بخشی از نگرانی به این سمت رفته که چگونه مانع

سیاست

گزارش

مسکو و پکن مانع سناریوی

تازه ترامپ علیه تهران می‌شوند؟

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا با اعلام «روز دی» اقتصادی علیه تهران، تهدید کرده که هر کشوری را که «راه نجات» اقتصادی برای ایران فراهم کند، از نظر مالی مجازات خواهد کرد. اکوایران نوشت: این تهدید، شش ماه پس از آغاز جنگ، آخرین تلاش ترامپ برای استفاده از قدرت اقتصادی ایالات متحده برای دستیابی به اهدافش است. اما، به نوشته تحلیل‌گران معتقدند که نفوذ ترامپ بر چین و روسیه، دو شریک تجاری مهم ایران، محدود است. روسیه در حال حاضر تحت تحریم‌های گسترده ایالات متحده قرار دارد و عمدتاً خارج از چارچوب اقتصادی تحت رهبری ایالات متحده فعالیت می‌کند. در همین حال، چین بارها نشان داده، زمانی که این کار به نفع منافع اقتصادی اش باشد، حاضر است تحریم‌های ایالات متحده را نادیده بگیرد.

جنگ سرد اقتصادی

با این همه، به نظر می‌رسد هرگونه برنامه ایالات متحده برای ایجاد اختلال در تجارت چین و ایران احتمالاً با موانع قابل توجهی روبرو خواهد شد. در حالی که چین ۸۰ درصد از نفت صادراتی ایران را در سال ۲۰۲۵ خریداری کرد، طبق داده‌های شرکت کپلر، هدف قرار دادن پالایشگاه‌های نفت چین اغلب چالش برانگیز است زیرا اکثر آنها مستقل هستند و وابستگی کمی به سیستم مالی ایالات متحده دارند. و اگرچه تحریم بانک‌های بزرگ چینی در صورت پردازش وجوه ایران، همانطور که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده تهدید کرده، دردناک خواهد بود، اما می‌تواند چین را نیز در یک دوره حساس دیپلماتیک به واکنش وادار کند. ایالات متحده سعی کرده‌تشان‌ها با چین را قبل از سفر برنامه‌ریزی شده شی جین‌پینگ، رئیس جمهور چین، به واشنگتن در ماه آینده، مهار کند. به گفته یو، در طول آن ملاقات و دو دیدار احتمالی دیگر بین این دو در اواخر امسال، «منابعه طولانی مدت در خلیج فارس یکی از مواردی است که هر دو طرف در مورد آن بحث خواهند کرد، اما مهمترین مورد نخواهد بود».

گلگواه در دست پکن

ترامپ روز چهارشنبه در یک پست در شبکه‌های اجتماعی وعده داد که روز ۱۵ اقتصاد را به ایران تحمیل کند و کشورهایی را که «هر نوع خط نجاتی» برای این کشور فراهم می‌کنند، مجازات کند. این در حالی است که لین جیان، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، روز جمعه گفت که چین با تحریم‌های یکجانبه مخالف است و فشار، بحران ایران را حل نمی‌کند. یکی از دلایل اصلی که فشار ممکن است علیه ایالات متحده نتیجه معکوس داشته باشد، این است که چین مجبور به قطع عرضه مواد معدنی حیاتی به شرکت‌های آمریکایی، از جمله سازندگان سلاح‌های آمریکایی است که به دلیل جنگ کاهش یافته‌اند. چین قدرت این گلگواه را زمانی نشان داد که سال گذشته با قطع صادرات مواد معدنی حیاتی خود، ترامپ را مجبور به توقف محدود کردن هرمز، کشورهای دیگر را به ساخت خطوط جدید، صرف نظر از هشدارهای آقای ترامپ، منافع چین در خاورمیانه طرف است. تهران نزدیکترین شریک استراتژیک پکن در منطقه همانند شریکشی می‌خواهد قدرت جهانی ایالات متحده را تضعیف کند. در عین حال، چین روابط خود را با برخی از رقبای ایران، مانند عربستان سعودی، عمیق‌تر کرده است که می‌تواند فرصت‌های اقتصادی بیشتری نسبت به تهران فراهم کند.

ایجاد راه‌های جایگزین برای دور زدن آن شود. اینجاست که مفهوم فرسایشی اهرم اهمیت پیدا می‌کند. یک کشور ممکن است ابزار قدرتمندی در اختیار داشته باشد، اما استفاده بیش از حد از آن می‌تواند طرف مقابل را به یافتن راهی برای بی‌اثر کردن آن وادار کند. اگر ایران با تهدید یا محدود کردن هرمز، کشورهای دیگر را به ساخت خطوط لوله، توسعه بنادر جایگزین، تغییر مسیرهای دریایی و افزایش ذخایر استراتژیک سوق دهد، در واقع ممکن است بخشی از سرمایه‌براهبردی خود را به دست خود کاهش دهد. به بیان دیگر این یک پارادوکس مهم است: هرچه ایران بیشتر بخواهد از هرمز به عنوان سلاح استفاده کند، دیگران انگیزه بیشتری برای ساختن جهانی پیدا می‌کنند که در آن هرمز اهمیت کمتری داشته باشد. از این منظر، قیمت نفت می‌تواند یکی از شاخص‌های مهم سنجش باشد. اگر معیار موفقیت را همان گونه که حاجی بابایی مطرح کرده، افزایش قیمت نفت بدبینیم، باید گفت نتیجه تاکنون ترکیبی است. به نظر وال استریت ژورنال، نفت‌گران تر شده، بازار برای خطرات هرمز «صرف ریسک» پرداخت می‌کند، اما قیمت‌ها آن چنان جهش نکرده که بتوان گفت بازار جهانی انرژی به نقطه‌ای رسیده که آمریکا ناچار به تغییر اساسی محاسبات خود شود.

پرسش دشوار

از زاویه دیگری این وضعیت را هشدار دهنده‌تر می‌توان دید. در حالی که تردید از هرمز به شدت کاهش یافته، بازار نفت کم‌کم در حال یادگیری سازگاری با وضعیت جدید است. گزارش کپلر نشان می‌دهد در دوره تقاضا ۶۰ روزه ایران و آمریکا هرمز عملاً به وضعیت عادی بازگشت و مسیرهای جایگزین و انتقال‌های غیرشفاف بخشی از جریان نفت را حفظ کردند. بنابراین مسئله اصلی برای ایران دیگر صرفاً این نیست که آیا می‌توانیم هرمز را ببندیم؟ یا پاسخ این پرسش روشن است. پرسش دشوارتر این است که اگر هرمز را برای مدت طولانی تحت فشار قرار دهیم، آیا دیگران راهی پیدا خواهند کرد که بدون آن زندگی کنند؟ اگر پاسخ به این پرسش به تدریج مثبت شود، ایران ممکن است با وضعیت عجیبی مواجه شود؛ همچنان توانایی نظامی و جغرافیایی بس‌تن به‌مختل کردن هرمز را داشته باشد، اما ارزش سیاسی و اقتصادی این توانایی کاهش یافته باشد. روشن است که پایین ماندن نسبی قیمت نفت در برابر اختلال را نباید نشانه شکست برنامه ایران دانست، اما باید آن را هشدار جدی در راه بازده نزولی این سیاست تلقی کرد. هرمز هنوز اهرم قدرتمندی است، ولی ممکن است هر بار استفاده بیشتر از آن، بخشی از قدرت آینده‌اش را مصرف کند.